مجله زبان و ادبیات فارسی
س ۳ ـ ش ۷ ـ تابستان ۸۶

نقد و تحلیل شرح‌های لیلی و مجنون نظامی گنجوی

خورشید نوروزی
مربی دانشکده آموزش معلمان دانشگاه آزاد اسلامی ـ واحد شهر ری

چکیده

بخش عمده‌ای از تحقیقات ادبی دربارهٔ مثنوی *لیلی و مجنون* نظامی، به شرح ابیات و معنی لغات ـ چه شرح کامل و چه گزیده ـ اختصاص دارد.

در این مقاله ابتدا به معرفی و نقد ساختاری و محتوایی شرح‌ها پرداخته شده و سپس ریشه‌های اختلاف نظر شارحان، در سه حوزه زیر، با ذکر مثال‌هایی از ابیات *لیلی و مجنون*، تبیین و تحلیل شده است:

الف) واژگان؛ گاه اختلاف نظر شارحان در معانی حقیقی و استعاری واژه‌ها و یا حقیقی یا استعاری بودن واژگان، سبب اختلاف معانی ابیات شده است.

ب) عبارت؛ گاه اختلاف‌نظر در معانی حقیقی یا کنایی عبارت و یا معانی گوناگون کنایی موجب اختلاف معنای ابیات شده است.

ج) کل بیت؛ گاهی نیز اختلاف نسخه‌ها، تعقید معنوی، استعداد تأویل‌پذیری ابیات و چگونگی خواندن بیت، سبب بروز معانی گوناگون گردیده است.

کلیدواژه‌ها: نظامی گنجوی، *لیلی و مجنون*، شرح ابیات، نقد و بررسی، مقایسه.

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۲/۹
تاریخ پذیرش مقاله: ۸۶/۶/۱۰

Email: Norouzirey@yahoo.com

مقدمه

منظومه *لیلی و مجنون*، سومین مثنوی از *پنج گنج* نظامی گنجه‌ای است که شاعر آن را به درخواست خاقان کبیر، ابوالمظفر اخستان بن منوچهر[۱] در سال ۵۸٤ هـ . ق[۲] و در بحر هزج مسدس اخرب مقبوض محذوف یا مقصور[۳] سروده است. «با آنکه وزن *لیلی و مجنون* با وزن *خسرو و شیرین* از یک بحر است، اما با همان اختلاف اندک، وزن *خسرو و شیرین* از حرکت و جنبش و بزم و شادی حکایت می‌کند و مژدهٔ وصال به همراه دارد، و وزن *لیلی و مجنون* حتی در وصف زیبایی‌ها هم غم‌انگیز به نظر می‌آید و از سوز هجران خبر می‌دهد». (ثروتیان ۱۳٦۹ : ۵۸)

موضوع مثنوی *لیلی و مجنون*، شرح سوز و گدازها و ناکامی‌های قیس بنی عامر و لیلی بنت سعد است که نظامی آن را از مآخذ عربی اقتباس کرده است.[٤]

با وجود اینکه صحنهٔ وقوع داستان، صحرای بی‌آب و علف عربستان و ماجرای عشق دو دلداده نیز ساده و به دور از هیجان و جاذبه بود و فضای حاکم بر داستان نیز اندوهبار می‌نمود، نظامی با شگرد توصیف‌های تأثیرگذار و زیبا، شیوه‌های بیانی دل‌انگیز، فضاسازی و صحنه‌پردازی استادانه و با یاری طلبیدن از قریحهٔ خلاق و نبوغ ذاتی خویش در خلق وقایع جدید، نه تنها تنگی میدان سخن را فراخی داد و از ملال‌انگیزی دور کرد، بلکه به حدی بر شهرت و جذابیت داستان افزود که شاعران بسیاری را به نظیره‌گویی واداشت و به عارفان منظومه‌سرا نیز در تصریح و تعلیم مفاهیم عرفانی یاری داد.

مثنوی *لیلی و مجنون* از جنبه‌های گوناگونی چون سابقه داستان، افسانه یا واقعی بودن؛ محدوده تاریخی؛ مآخذ نظامی؛ مقایسه با سایر آثار ادبی و نظیره‌های آن، بررسی و پژوهش شده است[۵]، اما بخش عمده‌ای از تحقیقات ادبی درباره *لیلی و مجنون* به شرح ابیات و معنی لغات اختصاص دارد.

نخستین بار حسن وحید دستگردی به سال ۱۳۱۳ هـ . ش و پس از او بهروز ثروتیان در سال ۱۳٦۵ هـ . ق، بسیاری از دشواری‌های لغوی و اصطلاحی این منظومه را توضیح دادند. سپس برات زنجانی در سال ۱۳۷٤ هـ . ش مشکلات واژگانی منظومه را به ترتیب حروف الفبا، شرح و توضیح داد. جلال متینی در سال ۱۳٤۱ هـ . ق، کاوه گوهرین در سال ۱۳٦۱ هـ . ق، و عبدالحمید آیتی در سال ۱۳۷۰ هـ . ق نیز گزیده‌هایی از این مثنوی ترتیب داده‌اند که در این مقاله، به نقد ساختاری و محتوایی آنها و تحلیل ریشه‌های اختلاف معانی شارحان توجه می‌شود.

ابیات موجود در مقاله حاضر، از نسخه وحید دستگردی نقل شده است و اگر در مقابل بیتی تنها شماره ذکر شده باشد، نشان دهنده شمارهٔ صفحه از نسخه وحید دستگردی است.

علامت‌های اختصاری این مقاله عبارتند از:

و: حسن وحید دستگردی، ث: بهروز ثروتیان، ز: برات زنجانی، م: جلال متینی، گ: کاوه گوهرین، ع: مجتبی عشقپور، آ: عبدالمحمد آیتی، ج: عزیزالله جوینی، ح: کامل احمدنژاد در ترجمه کتاب *لیلی و مجنون؛ پژوهشی در ریشه‌های تاریخی و اجتماعی داستان از ا. ا کراچکوفسکی*.

به طور مثال (و ۱۲) یعنی: شرح وحید، صفحهٔ ۱۲ و (ث ٤۳۲ ـ ز ۳۳۲) یعنی: بهروز ثروتیان، صفحه ٤۳۲ و برات زنجانی، صفحه ۳۳۲.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

الف) نقد ساختاری

۱- معرفی اثر در مقدمه

وحید دستگردی و ثروتیان در مقدمهٔ اثر خود، توضیحی دربارهٔ مثنوی *لیلی و مجنون* ارائه نداده‌اند. در حالی‌که زنجانی در پانزده صفحه، به نکات مفیدی دربارهٔ این

مثنوی اشاره کرده است. در مقدمه گزیده‌ها نیز متینی در سه صفحه، گوهرین در چهار صفحه و آیتی در یازده صفحه به زندگی نظامی و مثنوی *لیلی و مجنون* پرداخته‌اند.

۲- نسخه بدل‌ها

وحید دستگردی در متن تصحیح شده خویش به اختلاف نسخه‌ها در جایی اشاره نکرده است، اما ثروتیان در پاورقی تمام صفحات، اختلاف نسخه‌ها را با علامت اختصاری نشان داده است. به عنوان مثال **پ**: نسخه خطی مورخ ۷٦۷ هـ . ق. و زنجانی، فهرست اختلاف نسخه‌ها را با شماره بیت در پایان کتاب آورده و برای آنها علامت اختصاری در نظر گرفته است. به عنوان نمونه: شماره ۱، نسخه مورخ ۷۱۸ هـ . ق.

شارحانِ گزیده‌ها به تصحیح متن نپرداخته‌اند، اما نام نسخه استفاده شده را ذکر کرده‌اند؛ متینی از نسخه وحید، گوهرین از نسخه چاپ باکو به کوشش اژدر علی اوغلی و آیتی از نسخه وحید و ثروتیان استفاده کرده‌اند.

۳- تعداد ابیات

تعداد ابیات موجود در شرح وحید، ۳٦۳۳ بیت (به علاوه ۱۰۵۱ بیت الحاقی)؛ در شرح ثروتیان، ٤٥٥۲ بیت و در متن تصحیح شده زنجانی، ٤٥۸۳ بیت است. لازم به یادآوری است که ثروتیان و زنجانی، ابیات الحاقی وحید را در متن به عنوان ابیات اصلی آورده‌اند.

تعداد ابیات گزیدهٔ متینی، ۱٥۲۲ بیت؛ گوهرین، ۱۲۱۸ بیت و آیتی، ۱۸٤٥ بیت است.

٤- استشهاد

الف) استشهاد قرآنی

در صد بیت اول، وحید به دو آیه (بدون ذکر شمارهٔ سوره و آیه)، ثروتیان و گوهرین نیز به دو آیه و آیتی به یک آیه (با ذکر شمارهٔ سوره و آیه) اشاره کرده‌اند. زنجانی و متینی هم هیچ آیه‌ای را به عنوان شاهد مثال نیاورده‌اند.

ب) استشهاد شعری

در گزیده آیتی شاهد شعری در صد بیت اول، به پنج بیت و در شرح ثروتیان به سه بیت می‌رسد. در شرح وحید، زنجانی، متینی و گوهرین، بیتی از شاعران به عنوان شاهد مثال آورده نشده است.

۵- شیوه شرح

شرح وحید و ثروتیان بر معنی و شرح ابیات استوار است، اما شیوه زنجانی در شرح این مثنوی، کاستی‌هایی دارد که به آن اشاره می‌شود:

- همت زنجانی در شرح مثنوی *لیلی و مجنون* ـ برخلاف سایر شرح‌هایی که از خمسه *نظامی* ارائه داده است ـ بر معنی واژگان و ترکیبات معطوف است. از آنجا که *لیلی و مجنون* اثری است غنایی و سرشار از صور خیال و مقوله‌های بیانی و تصویرهای شاعرانه، معنی واژگان به تنهایی در رفع مشکلات ابیات کافی نیست.
- شیوه معنی واژگان، براساس ترتیب حروف الفبایی است نه شمارهٔ ابیات. این امر در یافتن معنی واژه‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند، اما دربارهٔ ترکیبات و عبارت‌های فعلی، خواننده را در گرداب معانی واژگان سرگردان می‌سازد تا حدی که ممکن است مخاطب با وجود ترکیب، اصطلاح یا کنایه‌ای خاص،

از یافتنِ آن عاجز باشد و یا حتی وجود آن را در فهرست معانی لغات، محتمل نداند.[۶]

- در متن ابیات و اشعار، هیچ علامت و نشانه‌ای مبنی بر توضیح واژه یا اصطلاح خاص در پایان کتاب وجود ندارد. بنابراین مخاطب در مراجعه به فهرست معانی واژه‌ها تردید می‌کند.
- اکتفا بر معنی واژه‌ها، جنبهٔ تحلیل و تفسیر را در شرح زنجانی از بین برده و ابیات موقوف‌المعانی، تلمیحات و اشارت لازم برای درک معنی ابیات، از دایرهٔ این پژوهش بیرون افتاده است.

در گزیده‌ها نیز متینی و گوهرین بیشتر به معنی واژه‌ها پرداخته‌اند و اساس گزیده آیتی هم به یک اندازه بر معنی واژگان و بیت استوار است.

ب) نقد و تحلیل محتوایی شرح‌ها

۱) گاه وحید، در معنی واژه یا معانی اصطلاحی دچار اشتباه شده است.

پروین ز حریر زرد و ارزق بر سنجق زر کشیده بیرق(۱۷۳)

سنجق: عَلَم (و) / واژه‌ای ترکی به معنای میله علم (ث ٥٢٤)

معنی مصرع دوم: بیرق (علم) بر میله طلایی کشیده شده بود.(ث)

پالوده راوق ربیعی خاک قدم تو از مطیعی (۳٦)

مصرع اول[۷]: کنایه از گل‌ها و شکوفه‌ها (و) کنایه از باران بهاری (ث ٤٠٦)

در این مصرع، «راوق ربیعی» استعاره از ابر بهاری و پالوده آن، باران بهاری است و نظر دوم صحیح‌تر به نظر می‌آید.

***

۲) گاه معنی وحید، مبهم و معنی دیگران بهتر است.

بر سبزه ز سایه نخل بندد بر صورت سرو و گل بخندد (۹۸)

مصرع اول: می‌خواست از فیض سایه خود، هر سبزه‌ای را به خرمای شیرین آبستن کند. (و)

از سایه خود بر سبزه نخل می‌بست و شکل آن در چمن ظاهر می‌شد. (ث ٤٧٤– آ ۲۲۹ – ۳۵۵)

نخل بستن در معنی «به خرمای شیرین آبستن کردن»، دور از ذهن و توجیه‌ناپذیر است و بهتر است طبق نظر دوم، نخل، مشبه‌به برای سایه قامت به حساب آید.

***

۳) گاه معنای وحید با ساختار دستوری بیت، هم‌خوانی ندارد:

چون خنجر جزع‌گون برآرد لعل از دل سنگ خون برآرد (۳٤)

خنجر وی، لعل را در دل سنگ، تبدیل به خون می‌کند و بیرون می‌آورد (و) / با دیدن خنجرش، لعل از دل سنگ خون بالا می‌آورد.[۸] (ث ۳۹۹)

«لعل»، در بیت، نقش فاعل دارد، اما وحید نقشِ آن را مفعولی دانسته است.

***

٤) گاهی وحید بر پایه باورهای عامیانه، به شرح و توضیح ابیات پرداخته است:

بستم سخنش، به آب دادم یکبارگیش جواب دادم (۱۳٦)

به افسون، زبان او را بسته و زبان بند را در آب افکندم.(و)

سخنانش را چون علفی بستم و به آب دادم و خواسته‌اش را رد کردم.(ث ٤۹۵)

ثروتیان، مصرع اول را استعاره مکنیه از نوع غیرتشخیص دانسته است.

***

۵) گاه معنی وحید بهتر از معنی دیگران است:

شیرین سخنی که چون سخن گفت بر لفظ چو آبش، آب می‌خفت (۱۸۲)

آب برای شنیدن سخنش از حرکت باز می‌ماند. (و) / آب از رشک منجمد می‌شد. (ث ۵۳۸)

به نظر می‌رسد آب از رشک به جوش آید نه آنکه منجمد شود، بنابراین معنی وحید صحیح‌تر است.

***

٦) گاه ثروتیان در معنی دچار اشتباه شده است:

زان عاشق کورتر کسی نیست کو را مگسی چو کرکسی نیست (۱۹٦)

عاشقی که مگسِ نشسته بر صورت معشوق را کرکسی نبیند، کورترین است. (و)

عاشق نابیناتر است زیرا مگسی که بر شهدِ معشوق نشیند، کرکس می‌بیند. (ث ٥٤٥)

بیت باید به صورتِ شرطی خوانده شود و درست نخواندن آن، سبب شده که معنی ثروتیان درست خلاف نظر شاعر باشد.

***

۷) گاه ثروتیان با آوردن بیتی از نظامی به عنوان شاهد، معنی قانع‌کننده‌تری ارائه داده است:

القصه چه گویم؟ آنچنان چست کز دیده برآمد، از نفس رُست (۱۸۳)

همچون نور از دیده بیرون می‌آمد و مانند زندگانی از نفس برمی‌رست.(و)

گویی از زمین چشم روییده بود و با آب و هوای نفس پرورش یافته بود. (ث ۵۳۸)

ثروتیان با استناد به این بیت از *مخزن‌الاسرار* به معنی بیت بالا پرداخته است:

گفتی از آنجا که نظر جسته بود از نظر شاه برون جسته بود

۸) برخی اشارات ثروتیان مبنی بر اطلاعات بومی است و در روشن شدن ابهام بیت، کارساز است:

سیاره به دستبند خوبی بر نطع افق به پایکوبی (۱۷۲)

دستبند: زینتی که به دست می‌کنند، دست آورنجن[۹] (و ـ ز ۳۳۲).

نام رقص دسته‌جمعی در آذربایجان (ث ۵۲۱ ـ آ ۲۵۸).

***

۹) گاه شارحان با وجود درستی کلام وحید، به آن توجه نکرده‌اند:

ز آن صرفه که یافتیش بی‌صرف در دفتر ما نویس یک حرف (۱۶)

مصرع اول: علم لدنّی (و) / ذکر و معرفت (ث ۳۸۲) / اشاره به امّی بودن رسول اکرم (ز ۳۴۹).

اشاره به ویژگی «بی‌صرف یافتن» در مصرع اول بیشتر تداعی‌گر علم لدنّی و حضوری است و از آنجا که ذکر و معرفت، در ردیف علم حصولی قرار می‌گیرد، اشاره به امّی بودن رسول، ابهام موجود در «بی‌صرف یافتن» را برطرف نمی‌کند، بنابراین معنی وحید بهتر از دیگران است.

***

۱۰) گاه دربارهٔ ابیات یکسان، اشارات شارحان متفاوت ا ست.

چون لاله دهن به شیر می‌شست چون برگ سمن به شیر می‌رِسُت (۵۹)

اشاره به آنکه لاله اگر از بوته چیده شود، شیر وی آشکار می‌شود. (و)

اشاره به آنکه برگ سمن، دارای شیرهٔ نباتی سفید است و با آن پرورده می‌شود. (ث ۴۳۶)

اشاره وحید دور از ذهن و واقعیت است و معنی مصرع اول چنین به نظر می‌رسد: دهان چون لاله سرخ را با شیر می‌شست.

***

۱۱) در پاره‌ای ابیات، تشخیص معانی درست از نادرست، بسیار مشکل است:

هر زن که به دست زور خواهند نان خشک و عصیده شور خواهند (۱۲۰)

زن به زور گرفته شده، مانند نان خشک و حلوای شور است و از آن تمتّعی نمی‌توان برد.(و)

زن به زور گرفته شده، هرگز به کارِ خانه نمی‌رسد و همه کارها را به هم می‌ریزد. نانش خشک و حلوایش شور خواهد شد. (ث ٤٨٦)

***

۱۲) معنی برخی ابیات با وجود شرح و توضیح شارحان، همچنان مبهم است:

چون لنگرِ بیت خویشتن لنگ معنیش فراخ و قافیت تنگ (۸٤)

مانند مهمانخانه بیت شعر خود که در خوبی طاق و لنگ (یکتا) بود، مجنون هم تنها مانده بود و با معنی فراخی که از عشق داشت، هیچ کس در قفا و همراه او نبود.[۱۰] (و)

مانند انسجام (لنگر) بیت (کشتی) شعر (دریا) خود لنگ بود، معانی بسیار داشت، اما در تنگی قافیه افتاده بود.(ث ٤٥٦)

***

۱۳) گاه توجه نکردن به سیر حوادث داستان، موجب دریافت معنی نادرست شده است.

بی عذر همی دوید عذرا در موکب وحشیان صحرا (۱۰۳)

وحید، عذرا را به معنی «بکر» و ثروتیان آن را به معنی آشکارا آورده است. (و ـ ث ٤٧٧)

با توجه به اینکه بیت دربارهٔ مجنون است، عذرا به معنی بکر، در توصیف مجنون نادرست است و معنی ثروتیان بهتر می‌نماید.

ای زخمگه ملامت من! هم‌قافله قیمت من! (۱۷۸)

مصرع اول: ای که تیر ملامت مرا نشانه شده‌ای! (و) / ای کسی که به خاطر تو مرا ملامت می‌کنند. (ث ٤٥۰) / ای که مورد سرزنش هستی (ز ۳۳۹).

با نگاه به ابیات پیشین و پسین و باتوجه به مفاد مهرآمیز نامه لیلی ـ که سراسر نوازش و محبت است ـ معنی وحید و ثروتیان نادرست به نظر می‌آید. در معنی زنجانی نیز جایگاه واژه «من» در مصرع اول معلوم نشده است. بنابراین به نظر می‌رسد معنی صحیح مصرع اول چنین باشد: ای کسی که به خاطر من دیگران ملامتت می‌کنند!

ج) ریشه‌های اختلاف نظر شارحان در معنای ابیات

۱- اختلاف‌نظر در ساده یا مرکب بودن واژگان

نام و نسبت به خردسالی است نسل از شجر بزرگ خالی است (٤٦)

خالی: واژهٔ بسیط به معنی تهی

در کودکی، نام و نسبت لازم است، اما اگر بزرگ شدی، نسب فایده‌ای ندارد. (و ـ ز مقدمه *اقبال‌نامه*، ۵)

خالی: واژه بسیط خال به معنی دایی + یاء نکره

در خردسالی، نام و نسب داری و نسل تو از شجر دایی بزرگ است. (ث ٤۲۳)

با توجه به مصرع دوم که تمثیلی برای مصرع اول به شمار می‌آید، معنی گروه اول صحیح‌تر به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر معنی بیت چنین است: همان‌گونه که درختان بزرگ به واسطهٔ میوه‌هایشان شناخته می‌شوند و نهال کوچکشان چندان گویای نامشان نیست و باید نامشان را بیان کرد، انسان‌ها نیز چنین هستند، در خردسالی محتاج نام و نسب هستند، اما در بزرگسالی نیاز به نام و نسب ندارند و اعمال و آثارشان گویای نامشان خواهد بود.

گل در قصبیّ و لاله در خز شیرین و رزین چو شیره رز (۱٤۹)

رزین: واژه بسیط به معنی گران‌مایه (و)

واژه مرکب (رز+ین) به معنی انگوری، دارای طعم انگور (ث ۵۰۲).

برای جلوگیری از حشو در معنای بیت، بهتر است طبق نظر وحید، رزین به معنی گران‌مایه و رز به معنی انگور به کار برده شود.

۲- اختلاف‌نظر در معانی حقیقی واژگان

ای سیـــد بـــارگاه کونین نسّابه شهر «قاب قوسین» (۹)

نسّابه: نسب‌شناس (و ـ گ ۱۳)

کسی که قبلاً جایی رفته و همه او را می‌شناسند. (ث ۳۷۷)

پایین طلب خسان چه باشی دست خوش ناکسان چه باشی (۵۳)

دست خوش: غنیمت (و) / زبون و مغلوب (ث ٤۳۲ ـ ز ۳۳۲)

دستخوش در معنی زبون، با معنی کل بیت هماهنگ‌تر و معنی گروه دوم صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

از کوهه غم شکوه بگرفت چون کوهه‌گرفته، کوه بگرفت (۱۳۵)

کوهه گرفته[11]: جن زده (و ـ م ۵۱) / ابر یا دریای موج گرفته (ث ٤۹٤).

از آنجا که در این بیت، کوهه‌گرفته، صفت مجنون به شمار می‌آید و باتوجه به نام مجنون، معنی اول مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

۳- اختلاف‌نظر در حقیقی یا استعاری بودن واژگان

می‌کوشم و در تنم توان نیست کآزرم تو هست، باک از آن نیست (٤)

آزرم: توانایی (و) / عدل و داد که در معنی نهفته شرمندگی هم هست. (ث ۳۷۲)/ یاری و تأیید (ز ۳۰۵)

کردند نبردی آنچنان سخت کز ارّه تیغ تخته شه تخت (۱۱۷)

تخت: در معنی حقیقی (و ـ ث ٤۸٤) / در معنی استعاری «اسب» (ث)

به دلیل اینکه استفاده «تخت» در معنی استعاری «اسب» سابقه نداشته است، تخت در معنی حقیقی بهتر و صحیح‌تر به نظر می‌رسد.

٤- اختلاف‌نظر در معانی استعاری

در جدول این خط قیاسی می‌کوش به خویشتن‌شناسی (٤٦)

خط قیاسی: هیکل کج و معوج انسانی (و) / علم و خط مقایسهٔ اندازهٔ اشیا نسبت به هم (ث ٤٢٥) / فلک (ز ۳۲۱).

باتوجه به وجود واژه «این» که خط قیاسی را معرفه کرده است، همچنین محدوده خویشتن‌شناسی که پیکر و روان انسان است، معنای نخست بهتر به نظر می‌آید.

کاین هفت خدنگ چاربیخی وین نه سپر هزار میخی (۲۳٥)

هفت خدنگ: هفت قسمت زمین (و) / هفت سیاره (ث ٥٦۹ ـ ز ۳٦۹)

از آنجا که مصرع دوم دربارهٔ فلک است، مصرع اول دربارهٔ زمین منطقی‌تر و زیباتر به نظر می‌رسد و معنی دسته دوم باعث حشو می‌شود.

گاه، اختلاف نظر شارحان در چند واژه است که تفاوت معانی ابیات را بیشتر می‌کند.

تا او شده شهسوار ابرش بگذشت محیط آب از آتش (۳۲)

مصرع دوم[۱۲]: آب (ممدوح) خلاف قاعده عناصر، بالای آتش (اسب) قرار گرفت.(و)

محیط آب (اسب ممدوح) آتش فتنه و بیداد را خاموش کرد. (ث ۳۹۷)

٥- اختلاف‌نظر در مقوله‌های بیانی

نگشاده فقاعی از سلامم بر تخته یخ نوشته نامم (۱۹٤)

مصرع اول: سلام را مانند شیشه فقاع، برای من سر نگشوده‌ای. (و): در این معنی بر مقوله تشبیه تکیه شده است.

محبت مرا با سلام گرمی پاسخ نگفته‌ای. (ث ٥٤٤): در این معنی بر مقوله استعاره تکیه شده است.

جواب مرا نداده‌ای. (ز ۳۵۳): در این معنی تکیه بر مقوله کنایی است.

٦- اختلاف‌نظر در چگونگی خواندن بیت

گاه کیفیت متفاوت خواندن بیت، سبب اختلاف‌نظر شارحان در نقش‌های دستوری واژگان می‌شود:

چون راه دیار دوست بستند بر جوی بریده پل شکستند (٦۹)

بر جوی، بریده پل شکستند: پل ناقصی که بر جوی فراق بسته شده بود، به کلی شکستند تا مجنون از رفتن به کوی یار محروم ماند.(و)

بر جوی بریده، پل شکستند: بر جویباری که طی کرده شده بود، پل را شکستند و میان آن دو، دوری افتاد.[۱۳] (ث ٤٤٦)

در خرگه کار خرده‌کاری عیبی است بزرگ، بی‌قراری (۸۷)

در خرگاهِ خرسند کاری، این همه بی‌قراری عیبی است. (و)

تو در کارهای خرد، ریزه‌کاری می‌کنی و نمی‌دانی که بی‌قراری، عیب بزرگی است. (ث ٤٥۹)

وحید، «ی» در «خرده‌کاری» را «یای مصدری» و ثروتیان، «ی» را شناسه و به معنی «هستی» به کار برده است.

به نظر می‌رسد معنی بیت چنین باشد: در خرگاهِ کارهایی که به دقت و ریزه‌کاری بسیار نیاز دارد (ازدواج با دختری که خانواده‌اش مخالف‌اند) بی‌قراری کردن عیب بزرگی است، باید صبور باشی تا به نتیجه مطلوب برسی.

گفتی که ز خانه ناگزیر است این نرد نه نرد خانه گیر است (۲۰۵)

این نرد نه نرد، خانه‌گیر است: در تخته نردِ وجودم از هجوم عشق، جای خانه باقی نمانده است.(و)

این نرد نه نردِ خانه‌گیر است: این بازی در من نمی‌گیرد و نمی‌تواند مرا به قفس خانه اندازد.[۱۴] (ث ۵۵۰)

۷- اختلاف نسخه‌ها

گاه اختلاف‌نظر شارحان در معانی ابیات، ریشه در شیوه تصحیح ابیات و گزینش برخی واژگان از میان نسخه‌ها دارد.

پیرامـــن هر چه ناپدید است جدول‌کش، خود خطی کشیده است (و ۱۷)

پیرامـــن هر چه آن پدیدست مندل‌کش خون خطی کشیده است (ث ۴۳)

پیرامـــن هر چه آن پدیدست منزلگهش چون خطی کشیدست[۱۵] (ز ۲۶۶)

پیرامون غیر مادیات، جدول‌کش ازلی، خطی کشیده و اندیشه بدان راه ندارد. (و)

آفریدگار، هر چیزی که می‌بینی، خطی کشیده، همچنان که در رگ‌های جانداران برای خون خط و دایره ای کشیده است. (ث)

۸- اختلاف نظر در حقیقی یا کنایی بودن عبارت

ور یک جو سنگ تاب گیرد خرسنگ در آفتاب گیرد (۵۵)

معنی حقیقی: اگر اندکی گرما به او رسد، سنگ‌های بزرگ را به سوی خورشید پرتاب می‌کند.(و)

معنی حقیقی: اگر اندکی گرما به او رسد، با سنگی بزرگ جلوی آفتاب را می‌گیرد. (ث ۴۳۳)

معنی کنایی: اگر اندکی گرما به او رسد، به شدت آفتاب را ملامت می‌کند. (ز ۳۲۷)

در نظر گرفتن معنی کنایی برای این بیت، آن را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند. ضمن آنکه عکس‌العمل ملامت در برابر گرما، پذیرفتنی‌تر از سایر موارد است.

آیینه درد پیش می‌داشت مونس ز خیال خویش می‌داشت (۹٤)

آینه درد: آینه‌ای است که در قدیم برای امتحان زنده بودن بیمار، رو به روی دهانش می‌گرفتند.(و)

آینه درد پیش می‌داشت: مصیبت‌های زندگی را در پیش چشم داشت. (ث ٤٦۹)

به دردهایش می‌اندیشید. (ک ۳٥٤)

معنی اول حقیقی و معنی دوم و سوم، کنایی در نظر گرفته شده است.

۹- اختلاف نظر در معانی کنایی

گاهی شارحان برای یک اصطلاح معانی کنایی متعددی در نظر گرفته‌اند:

القصه چه گویم؟ آنچنان چست کز دیده برآمد از نفس رست (۱۸۳)

از دیده برآمد: همچون نور از دیده بیرون می‌آمد. (و)

گویی از زمین چشم روییده بود. (ث ٥۳۸)

صاحب هنری حلال‌زاده هم خاسته و هم اوفتاده (۱۹۹)

خاسته و اوفتاده[۱٦]: بزرگ و متواضع (و)

سرد و گرم روزگار کشیده (ث ٥٤۸)

نی نی غلطم ز خون بجوشی و آنگه به کجا؟ به خون فروشی (۱۹۱)

خون بجوشی: عاشقی (و) / خشم (ث ٥٤۳)

در فرهنگ و زبان گیلک، «خون بجوشی» به معنی خشم است.

کردند بسی سپید سیمی از ما نشد این سیه گلیمی (۱۰٥)

سپید سیمی: نذر و نیاز (و) / تعریف و تمجید (ث ٤٧٧) / گازری (ز ٣٤١ ـ ک ٣٥٧) / سیم ناسره را سره و رایج کردن (ج ۸۰).

۱۰- تعقید معنوی

بر ابلق صبح و ادهم شام حکم تو زد این طویله بام (۳)

فرمان تو بام طویله (محل بستن چهارپایان) گردون را ساخت. (و ـ ع ۳۹)

حکم تو رشته دراز یا گردن‌بند (طویله) بامداد را بر شب و روز زده است. (ث ۳۷۱)

حکم تو فلک (طویله بام) را ساخت. (ز ۳۵۰)

حکم تو، آسمان را طویله دو اسب روز و شب قرار داده است. (گ ۱۱)

من کار تو را به سایه دیده تو سایه ز کار من بریده (۷۷)

مصلحت کار تو را می‌بینم، ولی تو سایه خود را از من بازگرفته‌ای. (و)

من پایگاه امن و رواج کار تو را دیده‌ام، امکان حمایت‌گری تو را دریافته‌ام، اما تو سایه‌ات را از من دریغ کرده‌ای.[۱۷] (ث ٤٥٠)

۱۱- استعداد تأویل‌پذیری ابیات

گاه ظرفیت تأویل‌پذیری ابیات، سبب شرح‌های گوناگون شارحان شده است. در این گونه ابیات، تشخیص معنی صحیح‌تر دشوار است.

کیمخت اگر از زمیم کردی باز از زمیم ادیم کردی (۷)

مصرع دوم: دوباره ادیم زمین را سفرهٔ غذای من قرار دادی (و ـ ث ۳۷۱ ـ ع ٤٠)

کالبدم را رنگ و رو بخشیدی. (ث ۳۷۳)

اشاره به رگشتن انسان خاکی به خاک. (گ ۱۲)

صدیق به صدق پیشوا بود فاروق ز فرق هم جدا بود (۱۱)

فرق: کلمه جدایی با حق (و) / جدایی حق از باطل. (ث ۳۷۸)

او دوک دو سر فکنده از چنگ برداشته تیر یکسر آهنگ (۹٤)

مصرع دوم[۱۸]: تیر عشق یکسر را برداشته بود. (و)

ساز بر دست گرفته بود و آهنگ عشق می‌نواخت. (ث ٤٦۹)

نتیجه‌گیری

در عرصه دشوار شرح ابیات مثنوی *لیلی و مجنون*، وحید دستگردی و ثروتیان ابهام بسیاری از مشکلات لغوی و معنایی منظومه را برطرف کرده‌اند و زنجانی تنها به توضیح واژگانی بسنده کرده است. گزیده‌ها نیز از شرح ابیات مشکل خودداری کرده‌اند زیرا هدف آنها روایت اصل داستان با حفظ پیوستگی وقایع مهم آن بوده است، بنابراین از آوردن ابیات موجود در مقدمهٔ منظومه نیز چشم‌پوشی کرده‌اند. در این میان گزیده آیتی بیش از سایر گزیده‌ها به معنی واژه‌های مشکل و ابیات مبهم پرداخته است.

اما آنچه سبب اختلاف‌نظر شارحان در معنی ابیات منظومه شده است، ریشه در عوامل گوناگونی به شرح زیر دارد:

- اختلاف نظر در ساده یا مرکب بودن واژه‌ها
- اختلاف نظر در معانی حقیقی واژه‌ها
- اختلاف نظر در معانی حقیقی یا استعاری بودن واژه‌ها
- اختلاف نظر در معانی استعاری
- اختلاف نظر در مقوله‌های بیانی
- اختلاف نظر در چگونگی خواندن بیت

- اختلاف نسخه‌ها
- اختلاف نظر در حقیقی یا کنایی بودن عبارت
- اختلاف نظر در معانی کنایی
- تعقید معنوی
- استعداد تأویل‌پذیری ابیات

پی‌نوشت

۱- انگیزه شاه شروان در دعوت نظامی به سرودن این قصه یا علاقه شخصی وی به قصه‌های عربی بود (زیرا شروانشاهان از نسل اعراب بنی شیبان بودند) و یا برای ایجاد تعادل احساسات عامه، زیرا لازم بود شاعر بزرگی چون نظامی، پس از احیای رسم مغان به واسطه سرودن *خسرو و شیرین* به دنیای عرب نیز توجه کند. (زرین‌کوب ۱۳۷۱ : ۱۱۲-۱۱۵)

۲- کآراسته شد به بهترین حـــال در سلخ رجب به ثی و فی دال
تاریخ عیان که داشت با خـود هشتاد و چهار بعد پانصد (۲۹)

۳- مفعول مفاعلن فعولن یا مفعول مفاعلن مفاعیل.

٤- عشق‌های نامراد و مرگ عاشق و معشوق از درد فراق، ویژگی داستان‌هایی است که اصل عربی دارند، حال آنکه داستان‌های ایرانی‌الاصل، عشق‌های کامیاب است. (ستاری ۱۳٦٦ : ۱٦)

۵- درباره منابع عربی و فارسی داستان لیلی و مجنون، کتاب *رومئو و ژولیت* شکسپیر و مقایسه با *لیلی و مجنون نظامی* از علی‌اصغر حکمت و کتاب *لیلی و مجنون؛ پژوهشی در ریشه‌های تاریخی و اجتماعی داستان* از کراچکوفسکی، حاوی اطلاعات ارزنده‌ای است. درباره میزان مطابقت این مثنوی با مآخذ عربی، فصل سوم

از کتاب *تحقیق در مثنوی لیلی و مجنون نظامی* از مجتبی عشقپور جامع‌تر از پژوهش‌های دیگر است و درباره نظیره‌های این منظومه، *کتابشناسی نظامی گنجوی*، از ابوالقاسم رادفر، مطالب مفیدی دارد. در زمینه مقایسه‌ها نیز می‌توان به *مقایسه لیلی و مجنون فضولی و نظامی* از جلیل تجلیل، *سیمای دو عاشق از دیدگاه نظامی* از مریم صادقی گیوی و *حالات عشق مجنون* از جلال ستاری مراجعه کرد.

٦- به عنوان مثال: «با پیر در آن خلاص بودند»: در خلاص پیر موافقت داشتند (ز ۳۱۰). یا: «با جان محنت قدم نسازد»: با آمدن تو، قالب تهی می‌کنم. (ز ۳۱۰)

۷- زنجانی، مصرع اول را به معنی شراب صاف آورده است. (ز ۳۱۵)

۸- زنجانی، تنها خنجر جزع‌گون را به معنی خنجر جوهردار و تیز آورده است. (ز ۳۲۹)

۹- زنجانی بیت را معنی نکرده و معنای وحید چنین است: سیارات هفت‌گانه، دستبند سعادت را زینت درست کرده و به پای‌کوبی مشغول بودند.

۱۰- معنای وحید دور از ذهن و پیچیده به نظر می‌رسد، به ویژه که «قافیت» را به معنی همراه گرفته است.

زنجانی نیز تنها به معنی «لنگر بیت» یعنی قافیه اشاره کرده است. (ز ۳٦۰)

۱۱- زنجانی آن را معنی نکرده است. «کوهه گرفته» در معنای اول از *برهان قاطع* و در معنای دوم از *لغت‌نامه دهخدا*، استخراج شده است.

۱۲- زنجانی تنها به معنی ظاهری اکتفا کرده است؛ آب مابین خاک و هوا قرار گرفت. (ز ۳٦۱)

۱۳- در معنی اول، «بریده» صفت مقدم پل است و در معنی دوم صفت جوی به شمار رفته است.

۱٤- در معنی اول، «خانه‌گیر» مسند و در معنی دوم صفت نرد است.

زنجانی تنها به معنی نرد خانه‌گیر اشاره کرده است: اصطلاحی در بازی نرد و نردی که خانه را می‌برد. (ز ۳٦٦)

۱۵- زنجانی دربارهٔ بیت توضیحی نداده است.

۱٦- زنجانی فقط خاسته را به معنی بر پای و بلند گرفته است.

۱۷- سایه بریدن: قطع توجه و بی‌عنایتی.

۱۸- زنجانی توضیحی نداده است.

کتابنامه

آیتی، عبدالمحمد. ۱۳۷۰. *گزیده لیلی و مجنون*. چ ۱. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

تجلیل، جلیل. ۱۳۷۳. *مقایسه لیلی و مجنون فضولی و نظامی*. چ ۱. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

ثروتیان، بهروز. ۱۳٦۹. *آیینه غیب، نظامی گنجه‌ای*. چ ۱. تهران: کلمه.

جوینی، عزیزالله. ۱۳۷۵. *خلاصه خمسه حکیم نظامی گنجوی*. چ ۳. تهران: دانشگاه تهران.

حکمت، علی‌اصغر. ۱۳۲۰. *رومئو و ژولیت شکسپیر و مقایسه با لیلی و مجنون نظامی*. چ ۱. تهران: بروخیم.

رادفر، ابوالقاسم. ۱۳۷۱. *کتابشناسی نظامی گنجوی*. چ ۱. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

زرین‌کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۱. *پیر گنجه در جست و جوی ناکجاآباد*. چ ۱. تهران: سخن.

ستاری، جلال. ۱۳٦٦. *حالات عشق مجنون*. چ ۱. تهران: توس.

صادقی گیوی، مریم. ۱۳۸۱. *سیمای دو عاشق*. چ ۱. تهران: سایه.

عشقپور، مجتبی، ۱۳٦۱. *تحقیق در مثنوی لیلی و مجنون*. چ ۱. تهران: دهخدا.

کراچکوفسکی، ا. ا. ۱۳۷۳. *لیلی و مجنون؛ پژوهشی در ریشه‌های تاریخی و اجتماعی داستان لیلی و مجنون*. ترجمهٔ کامل احمدنژاد. چ ۱. تهران: زوّار.

گوهرین، کاوه. ۱۳٦۲. *گزیده لیلی و مجنون*. چ ۲. تهران: امیرکبیر.

متینی، جلال. ۱۳٤۱. *خلاصه لیلی و مجنون نظامی*. چ ۱. مشهد: باستان.

نظامی گنجوی. ۱۳٦۵. *لیلی و مجنون*. به تصحیح بهروز ثروتیان. چ ۱. تهران: توس.

ـــــــــــــ . ۱۳۷٤. *لیلی و مجنون*. به تصحیح برات زنجانی. چ ۱. تهران: دانشگاه تهران.

ـــــــــــــ . ۱۳۷٤. *لیلی و مجنون*. به تصحیح وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چ ٤. تهران: قطره.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی